

بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی

در میان اعراب شهرستان اهواز

عبدالعلی لهسایی زاده*، علی اصغر مقدس* و سید مجتبی تقوی‌نسب**

*گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

**کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش با عنوان بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایشی صورت گرفته است. نمونه پژوهش ۳۸۴ نفر از اعراب زن و مرد بین سن ۱۸ تا ۶۵ سال بودند. برای دقت عمل بیشتر، یک پرسشنامه پیش‌آزمون بین ۵۲ نفر از اهالی عرب شهرستان اهواز اجرا گردید و در نهایت پرسشنامه نهایی در پاییز و زمستان ۱۳۸۵ در بین نمونه آماری تکمیل شد. چارچوب نظری این تحقیق بر پایه نظریه‌های نوسازی، استعمار داخلی و محرومیت نسبی می‌باشد. در این تحقیق، تأثیر متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، سابقه شهرنشینی، منطقه مسکونی (عرب‌نشین و مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پایبندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی بر متغیر هویت قومی سنجیده شدند و در آخر رابطه بین متغیر هویت قومی و هویت ملی در نمونه آماری آزمون شد. نتایج تحلیل دو متغیره داده‌ها (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون ساده) نشان از معنادار بودن رابطه بین متغیرهای فوق، (بغیر از جنس، وضعیت تاهل و سابقه شهرنشینی) با هویت قومی داشت. و رابطه هویت قومی و هویت ملی در جهت منفی آن تأیید شد. نتایج تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که ۱۱ متغیر از ۱۶ متغیر مستقل موثر بر هویت قومی در نهایت توانستند ۶۷ درصد از واریانس متغیر هویت قومی را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: هویت قومی، هویت ملی، اعراب اهواز.

The Study of Internal Factors Affecting Ethnic and National Identities Among Arab People of Ahwaz

A. Lahsaeizadeh* , A. A. Moghadas* and S. M. Taghavi Nassab**

*Sociology Department , Shiraz University

**M.A. Student of Sociology , Shiraz University

Abstract

The present paper aims at studying the internal factors affecting ethnic and national identity among Arab people of Ahwaz using quantitative method and survey technique. The sample of this study was 384 male and female Arabs aging 18 to 65 years old. In order to have a more precise study, a pretest questionnaire was given to 52 Arab people of Ahwaz. The final questionnaire was given to the sample during autumn and winter of 2006. The theoretical framework of this study is based on modernization, relative deprivation and internal exploitation theories. In this study, the effect of age, sex, marital status, employment, family income, the rate of family ownership, relative deprivation feeling in economic dimension, urban residence, neighborhood (Arab dominant or mixed), the rate of ethnic trust, abiding by ethnic norms, education, using media, satisfaction with political system, participation in political issues and relative deprivation feeling in political dimension were measured by ethnic identity variable. Finally, the relationship between ethnic identity variable and national identity variable was tested among samples. The result of bivariate analysis (T test, variance analysis and simple regression) revealed that above mentioned variable - except 3 variables including sex, marital status and urban residence record - were significant. Ethnic identity and national identity are significant negative relationship. The results of multivariate regression analysis revealed that 11 out of 16 independent variables affected ethnic identity which finally explained 67 percent of ethnic identity variance.

Keywords: Ethnic Identity, National Identity, Arabs of Ahwaz.

مقدمه

تأثیر قومیت^۳ و هویت قومی در چنین کشورهایایی بصورت کلان است. اما این مساله در سطح خرد نیز می تواند موجب بروز آسیب هایی برای افراد شود. به عنوان مثال در سطح کلان هویت قومی با تأثیر گذاری بر هویت ملی، می تواند اساس یک کشور را به خطر بیاندازد. در سطح خرد نیز تشدید هویت قومی با

هویت قومی^۱ و تشدید و برجستگی آن، یکی از مسایل اجتماعی^۲ مهم کشورهای چند قومیتی است. اهمیت این مساله، بویژه در کشورهای توسعه نیافته بیشتر است. در این کشورها که هنوز جامعه مدنی با مکانیزم های آن نهادینه نشده است، تشدید هویت قومی می تواند اثرات مخربی در سرنوشت آن ها بگذارد. عمده

3- Ethnicity.

1- Ethnic Identity.
2- Social Problem.

تأثیر گذاشتن بر مناسبات زندگی افرادی که بنا به دلایلی در کنار یکدیگر زندگی می کنند، می تواند مشکلات خاصی را به وجود آورد. با وجود مسایل و مشکلات متعددی که «قومیت» برای جامعه ایرانی به وجود آورده است، هنوز این مساله، به مانند یک آسیب اجتماعی مطرح نشده است و طرح شدن آن بیشتر با بی توجهی به جنبه آسیب شناختی آن بوده است.

تشدید هویت قومی یک مساله اجتماعی مهم - بخصوص در جامعه ایران - است. مورد مطالعه اخیر، قوم عرب شهرستان اهواز است. این تحقیق بیشتر، از نظرگاه جامعه شناختی به بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز پرداخته است.

پس باید پذیرفت که اقوام ایرانی وجود دارند و با بحران هویت روبرو هستند. بنابراین تفکیک بین دو نکته در این جا مهم است: اول این که ایران از تنوع قومی برخوردار است؛ دوم، این تنوع قومی موجب مشکلاتی در شکل گیری هویت کلی شده است (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). سوابق حوادث تاریخی مانند جدایی آذربایجان و کردستان از ایران در ۱۳۲۴ و برخی نغمه های عربی بودن خوزستان و حتی خلیج فارس ... و ادعاهای برون مرزی در این زمینه و پژواک آن در اذهان عده ای مرزنشینان ایران، نشان می دهد که هویت ملی ایرانی، با اشکالات فرهنگی و ... کلان روبه رو بوده است (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

این مشکل امروزه در میان اعراب بسیار ملموس تر می باشد. ظهور گروه های افراطی تروریستی در خوزستان و بویژه در شهر اهواز و وقایع ناشی از آن که طی چند سال گذشته به وقوع پیوسته است، همگی مویذ این نظر است. پس بجاست که تحقیق علمی برای حل یک مشکل، که در این جا، پر رنگ شدن هویت قومی میان اعراب شهرستان اهواز و عوارض ناشی از آن است، صورت گیرد. بنابراین این تحقیق دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱- بررسی عوامل مؤثر بر هویت قومی اعراب شهرستان اهواز.

۲- تأثیر تغییرات هویت قومی اعراب شهرستان اهواز بر هویت ملی آن ها.

پیشینه تحقیق

احمدی در قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، در یک بررسی بیشتر تاریخی با مطالعه سه قوم ایرانی کردها، بلوچ ها و آذری ها، در پی پاسخ به این سوال است که «چرا اقوام فوق در ایران سیاسی شدند؟». به نظر وی، سیاسی شدن آن ها متأثر از این عوامل است: اول، ظهور دولت های سکولار مدرن و مواجه آن ها با روسای قبیله ای خود مختار سنتی، دوم، کنترل اختلافات مذهبی قومی و ساختار هویت های قومی توسط نخبگان سیاسی و روشنفکران قومی و غیر قومی (نقش نخبگان) و سوم، حمایت گرایش های ناسیونالیستی سکولار به

صورت گرفته است، بالا بوده است. به نظر محقق، استان خوزستان به لحاظ بعد داخلی در سه پارامتر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با چالش روبرو می باشد. در بعد سیاسی، دارای قومیت متفاوت می باشد؛ در بعد اقتصادی، با وجود منابع سرشار در استان، این استان بطور کلی توسعه نیافته است؛ در بعد فرهنگی ساختار قبیله ای اقوام استان باعث تعصبات منفی در این استان شده و بحران زا می باشد (محمد هیودی، ۱۳۸۴).

ضیاءالدین احمد در کتابی تحت عنوان نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب، ظهور ناسیونالیسم عرب را ساخته و پرداخته استعمار غرب که برای رویگردانی مسلمانان از دیانت و در نتیجه چیرگی آن ها طرح ریزی شده بود، می داند. به نظر محقق، سه ابزار توسعه جنبش ناسیونالیسم عرب عبارتند از: ۱- مطبوعات، ۲- مراکز تعلیم و تربیت، ۳- احزاب، انجمن ها و گروه های سازمان یافته. محقق با ذکر شواهدی مطبوعات کشورهای مصر، لبنان و سوریه را منتسب به مزدوری برای بیگانگان می نماید. بدین سان، محقق نتیجه می گیرد که اندیشه ناسیونالیسم در واقع همان گسترش نظام سلطه غربی است (ضیاءالدین احمد، ۱۳۶۵).

مرو^۱ در مقاله ای تحت عنوان «تأثیر عوامل اجتماعی سلطه بر ترکیب هویت قومی: مثال، فرزندان مهاجران الجزایری فرانسه»، به بررسی موضوع فرآیند پذیرش فرهنگی فرزندان مهاجران الجزایری که در فرانسه اجتماعی شده اند، می پردازد. به نظر محقق،

وسیله خاورشناسان غربی (به عبارت دیگر، عوامل خارجی) (احمدی، ۱۳۸۳).

عالمی نیسی در مطالعه میزان برجستگی هویت های فرهنگی جمعی و پیش بینی آینده آن، به بررسی برجستگی این هویت در میان مردم عرب خوزستان پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان از معنی دار بودن تأثیر دو متغیر مستقل: ۱) ارتباطات فراملی - فرصت یکسان (برقراری ارتباط بدون هیچ فرقی بین کشورها) و ۲) ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت، بر متغیر وابسته که در این جا، فراوانی برجستگی های هویت های ملی و قومی درون مرزی است، دارد. برجستگی هویت قومی درون مرزی، به معنی آن است که فرد زندگی خود را بر اساس آداب، رسوم و هنجارهای فرهنگ عربی محلی خوزستان پیش برده و بیش از هر چیز خود را یک عرب خوزستانی می داند.

دیگر یافته های این پژوهش حاکی از عدم معنادار بودن متغیرهای: ۱- ارتباطات درون ملی، ۲- جهانی سازی، ۳- آزادی های مدنی با متغیر وابسته دارد. به نظر وی خلاف اعتقاد برخی متفکرین که جهانی سازی را عامل یکسان سازی انسان ها و هویت هایشان می داند، در آینده شاهد ایجاد و خلق هویت های جدیدی خواهیم بود (عالمی نیسی، ۱۳۸۳).

محمد هیودی در تحقیقی تحت عنوان نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، عقیده دارد که مشارکت قوم عرب نسبت به فارس در انتخابات در سطح ملی پایین بوده؛ اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی

1- Karine Moreau.

قصد دارند آمال خود را تحقق بخشند؛ چنین است که می توانند به منابع دسترسی پیدا کنند.

بطور کلی، پلوس تحت تأثیر بوردیو^۳ قرار دارد. تحت این تأثیر است که قومیت به عنوان یک سرمایه فرهنگی و برای کسب دسترسی به منابع کمیاب ساخته می شود (پلوس، ۲۰۰۵).

دریجه^۴ در مقاله «هویت قومی»، به پنج ویژگی گروه های قومی به این شرح اشاره می کند: ۱- گروه های قومی معمولاً کنترل یک قلمرو را در اختیار دارند، ۲- نهادهای قومیتی نوعی نیروی جذب کننده را به کار می گیرند، ۳- افراد گروه قومی به هم ذات پنداری دقیق با میراث و فرهنگ شان نیاز دارند، ۴- ممکن است که ایدئولوژی سیاسی یا مذهبی ارزش هایی را تجویز کند که از ارزش های یک گروه قومی مهم تر به نظر برسند و به جوانان گروه قومی هدف و جهت ارایه دهد. پس، بین مذهب و قومیت یک همبستگی بسیار قوی وجود دارد، ۵- افراد گروه قومی که خود را عامل انجام ماموریتی می دانند، برای تطبیق دادن ایدئولوژی شان با شرایط موجود، با نسبت دادن نمادین آن به یک گذشته تاریخی، به راه های اجتماعی و روان شناسانه متوسل می شوند (دریجه، ۲۰۰۶).

چارچوب نظری

احمدی نظریه های مربوط به قومیت را در دو گروه تقسیم بندی کرده است: اول نظریه هایی که مربوط به

افرادى که اصلیتشان الجزایری می باشد، هنوز با جامعه فرانسه فرق دارند.

بیشتر این افراد الجزایری به عنوان عرب، مهاجر و... در نظر گرفته می شوند. مرو عقیده دارد، اگر چه استفاده از الفاظ تحقیر آمیز در مورد الجزایری ها بسیار کمتر شده است، ولی باز هم الفاظ عرب و مهاجر در مورد این افراد به کار می رود و به این ترتیب، از شخص الجزایری تصویری منفی ارایه می دهد. بطوری که حتی در حومه شهر، به محض بروز یک حادثه مسوولیت آن را به گردن این گروه می اندازند، اکنون ممکن است این گروه در آن شرکت نداشته باشند. بطور کلی به نظر محقق، هویت فرزندان مهاجر الجزایری تحت تأثیر اجتماع فرانسه و همچنین تحت تأثیر ساخت قدرت در این کشور می باشد (مرو، ۲۰۰۳).

پلوس^۱ در مقاله ای تحت عنوان «ساخت قومیت جهانی شده»^۲، هویت قومی مهاجرانی که از هند که به هنگ کنگ مهاجرت کرده اند، را مورد بررسی قرار می دهد. به نظر پلوس، جهانی شدن هویت قومی را انعطاف پذیر می کند، زیرا فرآیند جهانی شدن نظرات مردم درباره خودشان را تغییر می دهد. به نظر محقق، این مساله، یعنی ساخت قومیت، یک استراتژی به دست آوردن سرمایه فرهنگی است که افراد از این سرمایه برای کسب دسترسی به منابع، از آن استفاده می کنند. بنابراین افراد اقلیت دسترسی کمتری برای دستیابی به منابع دارند، پس با تطبیق دادن و در عین حال متمایز ساختن خود،

3- Pierre Bourdieu.

4- Leo Driedger.

1- Caroline Pluss.

2- Constructing Globalized Ethnicity.

محمدی، ۱۳۸۳: ۳۳). ویل دورانت^۵ مورخ، نیز با نتیجه گیری از گذشته و سقوط و افول اقوامی که تمدن ساز بودند، نیز مرگ اقوام را پیش بینی می کند (دورانت، ۱۳۷۹: ۲۹۸). در این چارچوب، «موضوعات قومی، موضوعی متعلق به خاص گرایی یا «ما قبل مدرن» است که فرآیند نوسازی در حال کنار گذاردن آنست» (مقصودی، ۱۳۷۸: ۱۱۵ و ۱۱۶).

«در یک معنا موارد مثبت مدرنیته، مردم و ملل جهان را به یکدیگر نزدیک کرده است و جهان را به یک دهکده کوچک تبدیل نموده است، مثل: افزایش چگالی روابط بین ملل و دول؛ گسترش ارتباطات جمعی و وسایل حمل و نقل، گسترش غلظت اطلاعاتی جهان در عرصه های گوناگون، مجازی شدن روابط در سطح بین الملل، گسترش آموزش رسمی و سطح سواد در جهان، آشنایی روزافزون مردم جهان با آداب و رسوم و تاریخ و فرهنگ ملل مختلف، افزایش عام گرایی بطور کلی در سطح جهان، تعمیم گرایش فضایی، گسترش شاهراه های اطلاعاتی و سهولت دسترسی به آن ها در اکناف جهان و غیره» (چلبی، ۱۳۸۲: ۳۰۸). بدین سان «گسترش شبکه های جهانی رایانه ای و ماهواره ای و افزایش تعاملات هویت های فرهنگی موجب ارتباط فرآیندهای فرهنگ های بومی گوناگون و رشد آن ها و در نتیجه تحقق هویت بشری فراملی گردیده است و جهان را بصورت شبکه ای واحد از روابط اجتماعی درآورده که جریانی از معانی

ماهیت قومیت می باشند؛ این نظریه ها توضیح می دهند که قومیت چگونه شکل گرفته است و دسته دوم، نظریه های مربوط به سیاسی شدن قومیت است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۹۵).

این پژوهش با توجه به عنوان و ماهیت آن از نظریه های دسته دوم، یعنی سیاسی شدن قومیت استفاده کرده است. در این جا نیز از تلفیق سه نظریه استفاده شده است: اول، نظریه های نوسازی، دوم، نظریه استعمار داخلی و سوم، نظریه محرومیت نسبی.

نظریه های نوسازی، به دو دسته تقسیم می شوند: اول نظریه هایی که به تأثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی اشاره می کنند و دوم، نظریه هایی که بر تأثیر نوسازی بر افزایش هویت قومی توجه دارند. استفاده از نظریه نوسازی در این تحقیق، ناظر به دسته اول است. «این رویکرد نوید بخش کاهش منازعات قومی است. اندیشمندانی نظیر فردیناند تونیس^۱، کارل دویچ^۲، کلیفورد گیرتز^۳ و مک کورمک^۴، با مثبت خواندن نقش عناصر مدرنیته بر فرآیند رو به کاهش ستیزه های قومی تأکید ورزیده اند» (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۷۴). تحت تأثیر چنین فرآیندی، «سنت ها، تعهدات جمعی و دیگر عناصر هویت بخش محدود، مانند ملیت و قومیت جایگاه و اهمیت خود را از دست می دهند و نفوذپذیری مرزهای بین اجتماعات مختلف افزایش می یابد» (گل

1- Ferdinand Tonnies.
2- Karl W. Deutsche.
3- Clifford Geertz.
4- McCormack.

5- William James Durant.

بشری را میان مناطق مختلف برقرار کرده است» (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۹).

نظریه استعمار داخلی «که بیشتر توسط مایکل هکتر^۱ بطور مبسوط شرح داده شده است، تاکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه وخیم شدن نابرابری های منطقه ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود. نگرانی مستولی نخبگان مرکز حفظ «وابستگی ابزاری» جمعیت پیرامون است. در نتیجه، اعضای گروه های پیرامون به دنبال استفاده از نشانه های فرهنگی به عنوان اهرم هایی برای پایان دادن یا غیر موجه نمودن ترتیبات غالب هستند» (احمدی، ۱۹۹۵: ۱۸۲ و ۱۸۳). «در چنین وضعیتی، عوامل فرهنگ ساز بصورت ویژگی های کهن باقی نمی ماند، بلکه تبدیل به عناصر تبعیض گر سیاسی می شود» (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

بنابراین «هکتر، ناسیونالیسم را از منظر تحولات اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. وی از مفهوم استعمار داخلی برای تبیین ناسیونالیسم استفاده می کند. نظریه وی را می توان با سه گزاره جمع کرد: ۱- هر چه نابرابری اقتصادی بین جماعت ها بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتری بین جماعت کم تر پیشرفته وجود دارد، ۲- هر چه میزان ارتباطات داخلی جماعت ها بیشتر باشد، همبستگی جماعت حاشیه نشین بیشتر می شود، ۳- هر چه تفاوت های فرهنگی بیشتر باشد، احتمال آن که جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی،

همبستگی بیشتری داشته باشد، افزایش خواهد یافت» (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

نظریه استعمار داخلی و مهم ترین مولفه آن یعنی عامل اقتصادی، از نظریه هایی است که در تبیین هویت قومی در میان اعراب شهرستان اهواز، کاربرد دارد. وضعیت نامساعد اکثر اعرابی که بیشتر در حاشیه شهر اهواز قرار دارند و به لحاظ اقتصادی در وضع مناسبی قرار ندارند، یکی از عواملی است که در هویت قومی این افراد تأثیرگذار است. عزیزی بنی طرف، عمده ترین مشکلات اعراب خوزستان را عامل اقتصادی می داند. وی می گوید: «اگر کسی در اهواز دید جامعه شناسانه داشته باشد، می تواند کمربند فقر را تشخیص بدهد. بیکاری، فقر، سوء تغذیه، اعتیاد، جرم و جنایت در خرمشهر، آبادان و اهواز چشمگیر است.

گزارش های منتشر شده دادگستری خوزستان نشان می دهد که میزان جرایم در میان اعراب بالاست» (عزیزی بنی طرف، ۱۳۸۰: ۳۵۶).

نظریه محرومیت نسبی^۲ نیز بیشتر توسط گار^۳، شرح داده شده است. به نظر گار، «محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی^۴ خود و توانایی ارزشی^۵ محیط مشخص می شود» (به نقل از کوهن، ۱۳۸۱: ۲۷۲). به عقیده گار، پیش شرط لازم برای ستیز خشونت بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است. وقوع خشونت مدنی نشانه احتمال وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشمگیری

2- Relative Deprivation.

3- Ted Robert Gurr.

4- Value Expectations.

5- Value Capabilities.

1- Michael Hechter

حالت افراطی، این گرایش و تمایل به شکل قوم مداری متجلی خواهد شد» (قیم، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

تاکید بر «عوامل داخلی» موثر بر هویت قومی در این تحقیق مهم است. مهم ترین استدلال نگارندگان در طرح مسایل اجتماعی ایران از دیدگاه «داخلی» این است که مشکلات ایران بیشتر ریشه داخلی دارند تا خارجی.

بنابراین «آنانی» که به عوامل بیرونی توجه دارند و از تجاوز امپریالیسم و استعمار می گویند، کاملاً در خطایند و تا زمانی که کانون تحلیل در بیرون باشد و علت شکست ما، قوت دیگران باشد - و نه ضعف ما - در بر همان پاشنه خواهد چرخید» (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۸).

با این حال، تاکید بر نقش ایرانیان به معنای آن نیست که به دیگر عوامل و اسباب انحطاط بهایی ندهیم. درباره عوامل بیگانه می توان سخن گفت، اما سهم خود ایرانیان در انحطاط ایران از همه بیشتر است (همان، ۴۵۰ و ۴۵۱). مساله دیگر در طرح عوامل «داخلی» این است که اساساً شناسایی عوامل خارجی، کاری در سطح کلان است و از حوصله پژوهش حاضر خارج است. با این حال، عدم طرح عوامل خارجی به این منزله نیست که این عوامل تأثیری در هویت قومی عرب نداشته اند.

تعریف مفاهیم

هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی است که به ویژگی های فرهنگی اطلاق می شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می کند و بین اعضای یک قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن ها را منسجم می کند. هویت قومی در سطحی پایین تر از هویت ملی یا جامعه ای قرار دارد (احمدلو، ۱۳۸۱: ۱۲۳). در این

از افراد اجتماع است و نکته ملازم با حکم اخیر این که هر چه محرومیت نسبی شدیدتر باشد، احتمال و شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود (همان).

«به عقیده گار، اساساً هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می کند که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض آمیز در مقایسه با گروه های دیگر صورت گیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرند» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

بنابراین «وسعت محرومیت های جمعی، گروه فرهنگی در مقایسه با دیگران عامل اصلی نارضایتی و اقدام مشترک است. محرومیت به معنی نابرابری در رفاه مادی یا دستیابی سیاسی در مقایسه با دیگر گروه های اجتماعی است» (گار، ۱۳۷۸: ۲۱۶). به نظر گار، هویت فرهنگی هنگامی به پایگاهی برای جنبش سیاسی و کشمکش تبدیل می شود که مبنای تبعیض آمیز در میان اقوام گیرد.

در میان مردم، تمایز تبعیض آمیز به معنی نابرابری اقوام از نظر موقعیت اجتماعی، رفاه اقتصادی و دستیابی به قدرت سیاسی است که بیشتر در سیاست های کلی و سنت های اجتماعی دنبال می شود. پس هر گاه گروه در وضعیت نامساعدی باشد و قربانی تبعیض شود، حس هویت جمعی و منافع مشترک قوت می یابد (همان، ۲۱۳ و ۲۱۷).

«طبق نظر جامعه شناسان، هر قدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند، فرهنگ و زبان و ارزش هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می شود که در

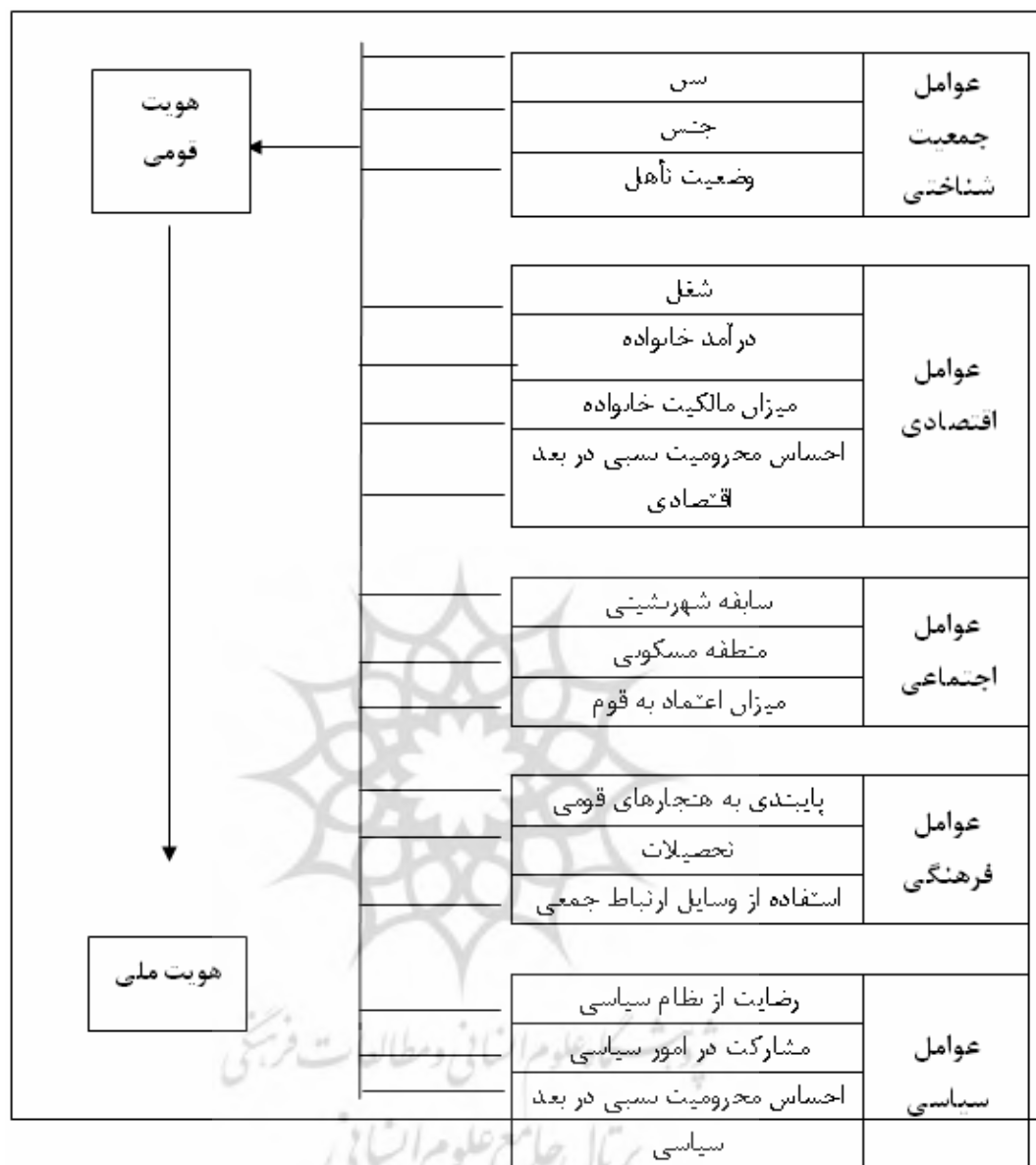
- ۴- بین شغل و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین درآمد خانواده و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین میزان مالکیت خانواده و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۸- بین سابقه شهرنشینی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۹- بین منطقه مسکونی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۰- بین میزان اعتماد به قوم و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۱- بین پایبندی به هنجارهای قومی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۲- بین تحصیلات و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۳- بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۴- بین رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۵- بین مشارکت در امور سیاسی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۶- بین احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۷- بین هویت قومی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.

تحقیق، هویت قومی توسط ۱۵ گویه مربوط به گرایش و ۵ گویه مربوط به کردار سنجیده شده است. «هویت ملی، به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. مهم ترین نمادهای ملی، عبارت اند از: سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و دولت. در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت آن ها را مشخص می کند» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۷۴). هویت ملی در این جا توسط ۱۳ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

فرضیات تحقیق

در این تحقیق، فرضیات به فرضیات فرعی و اصلی تقسیم شده است. فرضیات فرعی آن دسته از فرضیاتی است که به تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر هویت قومی می پردازد و فرضیات اصلی نیز به بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر هویت قومی پرداخته است. بر این اساس فرضیات فرعی این تقسیم عبارتند از:

- ۱- بین سن و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۲- بین جنس و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۳- بین وضعیت تاهل و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیات اصلی این تحقیق نیز به شرح زیر می باشند:



مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این پژوهش بصورت کمی و پیمایشی صورت گرفته است. زیرا «چنان چه مساله تحقیق شناسایی عوامل تأثیر گذار بر یک نتیجه، سودمندی یک مداخله یا فهم

بهترین پیش بینی از نتایج باشد، رویکرد کمی بهترین

رویکرد است» (کرسول، ۲۰۰۳: ۲۱).

در این تحقیق، کلیه افراد بین ۱۸ تا ۶۵ سال عرب شهرستان اهواز، اعم از زن و مرد، جامعه آماری می باشند. توجه گروه سنی در این تحقیق با توجه به ماهیت

این رقم در فرمول کوکران گذاشته شد و در نهایت به رقم ۳۸۴ نفر برای نمونه آماری رسیدیم.

همچنین با توجه به توزیع ناهمگن جمعیت در اعراب از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. خوشه ها نیز مناطق شهری شهرستان اهواز بودند. طبق نقشه شهر اهواز، این شهر به ۸ منطقه تقسیم شده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان، ۱۳۸۴).

در وهله اول، از بین این هشت منطقه، دو منطقه یک و شش به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس از میان محله‌های هر یک از این مناطق دو محله بطور تصادفی گزینش شد (محله های کیان پارس و کوی افسران در منطقه یک و کوی علوی و لشکرآباد در منطقه شش). در نهایت جمعیت نمونه مورد نظر از میان مردان و زنان ۱۸ تا ۶۵ ساله خانوارهای این چهار بلوک انتخاب شدند.

انجام چنین تحقیقی نیاز به اعتبار و روایی مناسب داشت. برای به دست آوردن اعتبار در این تحقیق، ابتدا از اعتبار صوری استفاده شد، یعنی تمامی گویه ها به صاحب نظران داده شد و از آن ها خواسته شد که در مورد آن ها اظهار نظر کنند، بعد از اظهار نظر صاحب نظران گویه های موجود در یک پیش آزمون در بین ۵۲ نفر از اهالی عرب شهرستان اهواز مورد آزمون قرار گرفتند و در نهایت ۲۴ گویه از پرسشنامه نهایی حذف شدند.

تحقیق بوده است. با توجه به این مساله، مبدا را سن قانونی، یعنی ۱۸ سال در نظر گرفتیم (چون بحث اساسی، سیاسی شدن قومیت است) و رقم پایان سن در این جا ۶۵ سال در نظر گرفته شد، زیرا افراد ۶۵ سال به بالا افرادی نیستند که تغییرات هویتی در آن ها معنادار باشد، این افراد بیشتر خانه نشین هستند.

با این حال، مشکل مهمی که نگارندگان با آن مواجه گردیدند، عدم سرشماری مردم خوزستان بر اساس قومیت و در نتیجه فقدان آمار رسمی از اعراب شهرستان اهواز بود. برای به دست آوردن جمعیت آماری، با ده نفر از مسوولین فعلی و سابق استان خوزستان که پنج نفر از آن ها عرب و پنج نفر دیگر غیر عرب بودند، مصاحبه انجام شد و از آن ها رقم تقریبی جمعیت اعراب اهواز پرسیده شد.

برخی از این افراد، یک محدوده رقمی را در نظر می گرفتند؛ مثلاً بین ۵۰ تا ۶۰ درصد. در این جا، از این ارقام میانگین گرفته شد. از معدل این ارقام تخمین زده شد که ۵۵ درصد مردم شهرستان اهواز قومیت عرب دارند. براین اساس، با توجه به برآورد سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان در سال ۱۳۸۴ ما ۵۵ درصد از کلیه افراد شهرستان اهواز را که بین ۱۸ تا ۶۵ سال سن داشتند، به عنوان جمعیت آماری در نظر گرفتیم.

با توجه به عوامل مذکور، رقم ۴۴۲۷۳۹ نفر را به عنوان جمعیت ۱۸ تا ۶۵ سال عرب شهرستان اهواز در نظر گرفته شد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان، ۱۳۸۴). برای به دست آوردن جمعیت نمونه،

بین سن و هویت قومی است که در این جا مثبت می باشد. مقدار R^2 نشان می دهد که $0/024$ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر سن پیش بینی می شود. با توجه به ضریب B با افزایش هر واحد متغیر سن، هویت قومی $0/26$ افزایش می یابد. با توجه به $adj.R^2$ متغیر سن $0/022$ از واریانس هویت قومی کل جامعه را تبیین می کند. البته باید توجه داشت که حداکثر سن در این تحقیق 65 سال بوده است. بنابراین رابطه بین هویت قومی و محدوده سنی 18 تا 65 سال مثبت و معنادار است. این مساله می تواند با توجه به ترویج تحصیلات رسمی و عالی در میان جوانان عرب، تبیین شود.

روایی این تحقیق نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پیش آزمون انجام شده، محاسبه گردید. این ضریب برای متغیرهای هویت قومی « $0/82$ » و هویت ملی « $0/74$ » بود.

یافته‌های تحقیق

برای بررسی فرضیه اول از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول 1، بیانگر رابطه بین سن و هویت قومی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که همبستگی متغیر سن با هویت قومی (R) $0/156$ است که نشان دهنده رابطه ضعیف بین دو متغیر است. با توجه به سطح معناداری سن و هویت قومی $0/002$ ، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب $beta$ ، نشانگر جهت رابطه

جدول 1: آزمون رابطه بین سن و هویت قومی

سطح معناداری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	$adj.R^2$	R^2	R	سن
$0/002$	$3/092$	$0/156$	$0/26$	$14/175$	$0/022$	$0/024$	$0/156$	

$$F=9/559$$

عرب است. بطوری که تفاوت معناداری بین میانگین پاسخگویان دو جنس دیده نشده است. عدم تایید رابطه جنس با هویت قومی علاوه بر این که می شود از آن چنین استنباط کرد که هویت قومی مردان با زنان عرب تفاوت نمی کند؛ می توان یک استنباط دیگر از آن کرد و این که در جامعه عرب «هنوز زن به هویت واقعی خود دست پیدا نکرده است و کمتر نظری مخالف با خانواده خود، بویژه شوهر بروز می دهد».

برای بررسی فرضیه دوم از آزمون T-test استفاده شده است. جدول 2، بیانگر رابطه بین جنس و هویت قومی است. با توجه به سطح معناداری $0/419$ و مقدار T « $0/81$ »، رابطه بین جنس و هویت قومی تایید نمی شود؛ به عبارت دیگر بین جنس و هویت قومی رابطه معناداری وجود ندارد.

به نظر می رسد که عدم تایید رابطه بین دو متغیر مذکور نشان دهنده عدم شکل گیری هویت مستقل زنان

جدول ۲: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی برحسب جنس

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۱۸	۶۹/۸۲	۱۵/۰۸	۳۸۱	۰/۸۱	۰/۴۱۹
زن	۱۶۵	۶۸/۶۲	۱۳/۲۹			

برای بررسی فرضیه سوم از آزمون T-test استفاده شده است. جدول ۳، بیانگر رابطه بین وضعیت تاهل و هویت قومی است. با توجه به سطح معناداری ۰/۱۳۵ و مقدار T (-۱/۴۹۹)، رابطه بین وضعیت تاهل و هویت قومی تایید نمی شود؛ به عبارت دیگر بین وضعیت تاهل و هویت قومی رابطه معناداری وجود ندارد. عدم تایید

رابطه بین دو متغیر مذکور می تواند نشان دهد که اعراب بعد از ازدواج نیز وابستگی خود به قوم را همچنان حفظ می کنند. با توجه به این که در این تحقیق، افراد مطلقه و بیوه در زمره افراد مجرد در نظر گرفته شدند، می توان عمومیت ازدواج در میان اعراب را استنتاج کرد.

جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی برحسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۱۶۱	۶۷/۳۷	۱۳/۳۵۶	۳۶۳	-۱/۴۹۹	۰/۱۳۵
متاهل	۲۰۴	۶۹/۵۹	۱۴/۵۸۴			

برای بررسی رابطه شغل و هویت قومی از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده که در جدول ۴، نشان داده شده است. همبستگی متغیر شغل با هویت قومی (R) ۰/۳۱۶ است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب beta، که در این جا منفی می باشد؛ نشان می دهد که هر چه شغل در رتبه بالاتری قرار گیرد، هویت قومی کاهش می یابد.

ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر شغل (منزلت شغلی)، هویت قومی ۰/۳۱۶ کاهش می یابد. با توجه به $adj.R^2$ متغیر شغل ۰/۰۹۷ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند.

بنابراین هر چه منزلت شغلی افراد بیشتر بوده است، هویت قومی کمتری از خود نشان داده اند. این امر اهمیت شغل و تأثیرگذاری آن بر متغیرهای مهمی چون هویت قومی و غیره را نشان می دهد. لازم به توضیح

مقدار R^2 نشان می دهد که ۰/۱ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر شغل پیش بینی می شود.

است که در این تحقیق، برای رده بندی مشاغل از تقسیم بندی مقدس (۱۳۷۴)، استفاده شده است.

جدول ۴: آزمون رابطه بین شغل و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	
۰/۰۰۰	-۶/۴۹	-۰/۳۱۶	-۲/۵۳	۱۳/۶۱۹	۰/۰۹۷	۰/۱	۰/۳۱۶	شغل

$$F=۴۲/۱۲$$

است. این مساله بیانگر وضعیت اقتصادی نه چندان مناسب در نمونه آماری است.

برای سنجش فرضیه ششم (ارتباط بین میزان مالکیت خانواده و هویت قومی) از تحلیل واریانس استفاده شده است. با توجه به جدول ۶، رابطه بین دو متغیر درآمد خانواده و هویت قومی با مقدار $F=۱۰/۰۷۶$ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تایید می شود.

برای سنجش فرضیه پنجم (درآمد و هویت قومی) از تحلیل واریانس استفاده کردیم. با توجه به جدول ۵ رابطه بین دو متغیر درآمد خانواده و هویت قومی با مقدار $F=۱۹/۷۰۴$ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تایید می شود. به عبارت دیگر بین درآمد خانواده و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی به دست آمده، بیشترین نسبت پاسخگویان، دارای درآمدی بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان بوده اند و بعد از آن نیز بیشترین نسبت متعلق به افراد کم درآمد (کمتر از ۱۵۰ هزار تومان)،

جدول ۵: تحلیل واریانس هویت قومی با درآمد خانواده

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	درآمد خانواده
۰/۰۰۰	۱۹/۷۰۴	۱۶/۲۰۲	۷۷/۸۸	۱۲۲	کمتر از ۱۵۰ هزار تومان
		۱۲/۲۴۴	۶۵/۷۴	۱۲۵	بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان
		۱۱/۰۹	۶۳/۹۶	۷۲	بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان
		۱۰/۷۳	۶۷/۶۶	۳۲	بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان
		۸/۵۸۵	۶۴/۱۹	۳۲	بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان

جدول مذکور مشاهده می شود، بیشتر پاسخگویان میزان مالکیت خانواده خود را ناچیز اعلام کرده اند.

به عبارت دیگر بین میزان مالکیت خانواده و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. همان گونه که در

جدول ۶: تحلیل واریانس هویت قومی با میزان مالکیت خانواده

میزان مالکیت خانواده	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
ناچیز	۹۳	۷۶/۸۱	۱۶/۹۴۸	۱۰/۰۷۶	۰/۰۰۰
زیر ۱ میلیون تومان	۷۶	۶۹/۲۵	۱۱/۷۲۹		
۱ تا ۳ میلیون تومان	۴۰	۷۱/۲۲	۱۳/۴۴۶		
۳ تا ۶ میلیون تومان	۴۵	۶۶/۴۴	۱۴/۱۲۲		
۶ تا ۱۰ میلیون تومان	۴۳	۶۷/۹۱	۱۱/۵۴۹		
بالاتر از ۱۰ میلیون تومان	۸۴	۶۳/۰۸	۱۰/۶۳۳		

متغیر هویت قومی توسط متغیر احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی پیش بینی می شود.

ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، ۲/۸۱۳ هویت قومی افزایش می یابد. با توجه به $adj.R^2$ متغیر احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی ۰/۴۱۶ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند. مقدار آماره به دست آمده برای همبستگی بین دو متغیر، همان گونه که گفته شد، مقدار بالایی را نشان می دهد که بدان معنا است که احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی در نمونه آماری بالا بوده است.

برای بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و هویت قومی (فرضیه هفتم) از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. (جدول ۷) نتایج نشان دهنده وجود همبستگی قوی بین دو متغیر احساس محرومیت نسبی با هویت قومی (R) ۰/۶۴۶ است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود.

ضریب beta که در این جا مثبت می باشد، نشان می دهد که با افزایش احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، هویت قومی نیز افزایش یافته و برجسته می شود. مقدار R^2 نشان می دهد که ۰/۴۱۸ از واریانس

جدول ۷: آزمون رابطه بین احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و هویت قومی

سطح معناداری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۶/۵۳۴	۰/۶۴۶	۲/۸۱۳	۱۰/۹۵۱	۰/۴۱۶	۰/۴۱۸	۰/۶۴۶	

$$F=273/378$$

وجود ندارد. این مساله را می توان ناشی از دو مورد دانست: اول، اکثر پاسخگویان سابقه شهرنشینی بالایی داشتند و دوم، شهرنشینی هنوز نتوانسته است، مناسبات زندگی اعراب را تغییر دهد؛ که نتیجه اخیر به واقعیت نزدیک تر است.

برای سنجش فرضیه هشتم از تحلیل واریانس استفاده شده است. با توجه به جدول ۸، رابطه بین دو متغیر سابقه شهرنشینی و هویت قومی با مقدار $F=1/111$ در سطح معناداری $0/351$ تایید نمی شود. به عبارت دیگر بین سابقه شهرنشینی و هویت قومی رابطه معناداری

جدول ۸: تحلیل واریانس هویت قومی با سابقه شهرنشینی

مدت شهرنشینی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
کمتر از یکسال	۲	۶۱/۵	۷/۷۷۸	۱/۱۱۱	۰/۳۵۱
یک تا سه سال	۱۱	۶۲	۱۱/۱۷۱		
سه تا پنج سال	۸	۷۳	۱۸/۵۲۴		
پنج تا ده سال	۱۰	۶۶/۸	۱۲/۴۰۸		
ده سال به بالا	۳۵۰	۶۹/۶۲	۱۴/۳۸۹		

می شود؛ به عبارت دیگر بین منطقه مسکونی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. همان گونه که در میانگین مناطق مشاهده می شود، کسانی که در مناطق عرب نشین سکونت داشته اند، هویت قومی بیشتری نیز داشته اند.

برای بررسی فرضیه نهم (رابطه بین منطقه مسکونی و هویت قومی) از آزمون T-test استفاده شده است. جدول ۹، بیانگر رابطه بین منطقه مسکونی و هویت قومی است. با توجه به سطح معناداری $0/000$ و مقدار T $(9/571)$ ، رابطه بین منطقه مسکونی و هویت قومی تایید

جدول ۹: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی برحسب منطقه مسکونی

منطقه مسکونی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار T	سطح معناداری
عرب نشین	۲۶۴	۷۳/۰۲	۱۴/۵۹۶	۳۳۳	۹/۵۷۱	۰/۰۰۰
مختلط	۱۱۹	۶۱/۰۴	۹/۵۱			

نشان دهنده وجود همبستگی بین متغیر میزان اعتماد به قوم با هویت قومی (R) $0/517$ است که نشان دهنده رابطه تقریباً قوی بین دو متغیر است. با توجه سطح

برای بررسی فرضیه دهم از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول ۱۰، بیانگر رابطه بین میزان اعتماد به قوم و هویت قومی است. نتایج به دست آمده

معناداری میزان اعتماد به قوم و هویت قومی، یعنی $0/000$ ، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب β ، که در این جا مثبت می باشد حاکی از آن است که با افزایش میزان اعتماد به قوم، هویت قومی نیز افزایش یافته و برجسته می شود. مقدار R^2 نشان می دهد که $0/268$ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر میزان اعتماد به قوم پیش بینی می شود. ضریب B بیانگر این است که

با افزایش هر واحد متغیر میزان اعتماد به قوم، $2/2$ هویت قومی افزایش می یابد. با توجه به $\text{adj.}R^2$ متغیر میزان اعتماد به قوم $0/266$ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند. با توجه به مقدار آماره همبستگی بین دو متغیر باید گفت که میزان اعتماد به قوم، یکی از متغیرهایی است که با هویت قومی در ارتباط تنگاتنگی می باشد.

جدول ۱۰: آزمون رابطه بین میزان اعتماد به قوم و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب β	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	میزان اعتماد به قوم
0/000	11/796	0/517	2/2	12/283	0/266	0/268	0/517	

$$F=139/138$$

آزمون فرضیه یازدهم با استفاده از رگرسیون می باشد. جدول (۱۱). یافته ها نشان می دهد که همبستگی متغیر پایبندی به هنجارهای قومی با هویت قومی ($R=0/683$) است که نشان دهنده رابطه قوی بین دو متغیر است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب β ، نشانگر جهت رابطه بین پایبندی به هنجارهای قومی و هویت قومی است که در این جا مثبت می باشد؛ به عبارت دیگر با افزایش پایبندی به

هنجارهای قومی، هویت قومی نیز افزایش می یابد. مقدار R^2 نشان می دهد که $0/467$ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر پایبندی به هنجارهای قومی پیش بینی می شود. با توجه به ضریب B با افزایش هر واحد متغیر پایبندی به هنجارهای قومی، هویت قومی $2/845$ افزایش می یابد. با توجه به $\text{adj.}R^2$ پایبندی به هنجارهای قومی $0/466$ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند.

جدول ۱۱: آزمون رابطه بین پایبندی به هنجارهای قومی و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب β	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	پایبندی به هنجارهای قومی
0/000	18/269	0/683	2/845	10/479	0/466	0/467	0/683	

$$F=333/739$$

با مقدار $F=4/122$ در سطح معناداری $0/001$ تایید می شود. به عبارت دیگر بین تحصیلات و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

برای سنجش فرضیه دوازدهم (رابطه تحصیلات با هویت قومی) از تحلیل واریانس استفاده شده است. با توجه به جدول ۱۲، رابطه بین دو متغیر تحصیلات و هویت قومی

جدول ۱۲: تحلیل واریانس هویت قومی با تحصیلات

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	میزان تحصیلات
0/001	4/122	11/559	79/53	38	بی سواد
		10/952	70/21	39	ابتدایی
		15/771	68/44	71	راهنمایی یا سیکل
		13/673	67/87	150	دیپلم
		17/317	67/67	36	فوق دیپلم
		13/698	68/18	44	لیسانس
		8/701	61/2	5	فوق لیسانس و بالاتر

قومی توسط متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی پیش بینی می شود. ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی، $0/966$ هویت قومی کاهش می یابد. با توجه به $adj.R^2$ استفاده از وسایل ارتباط جمعی $0/099$ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند. بنابراین استفاده از وسایل ارتباط جمعی، هویت قومی را کاهش می دهد.

برای آزمون رابطه استفاده از وسایل ارتباط جمعی و هویت قومی (فرضیه سیزدهم) از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول ۱۳، نشان می دهد که همبستگی متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی با هویت قومی (R) $0/318$ است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب beta، که در این جا منفی می باشد، نشان می دهد که با افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، هویت قومی کاهش می یابد. مقدار R^2 نشان می دهد که $0/101$ از واریانس متغیر هویت

جدول ۱۳: آزمون رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	
۰/۰۰۰	-۶/۵۳۴	-۰/۳۱۸	-۰/۹۶۶	۱۳/۵۵۱	۰/۰۹۹	۰/۱۰۱	۰/۳۱۸	استفاده از وسایل ارتباط جمعی

$$F=۴۲/۶۹۶$$

برای بررسی فرضیه چهاردهم نیز از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول ۱۴، بیانگر رابطه بین رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که همبستگی متغیر رضایت از نظام سیاسی با هویت قومی (R) ۰/۵۶۳ است که نشان دهنده رابطه تقریباً قوی بین دو متغیر است. با توجه به سطح معناداری رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی، یعنی ۰/۰۰۰، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب beta، نشانگر جهت رابطه بین رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی است که در این جا منفی می باشد؛ به عبارت دیگر با افزایش رضایت از نظام سیاسی، هویت قومی کاهش می یابد. مقدار R2 نشان می دهد که ۰/۳۱۷ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر رضایت از نظام سیاسی پیش بینی می شود. ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر رضایت از نظام سیاسی، هویت قومی ۱/۲۹۲ کاهش می یابد. با توجه به adj.R2 رضایت از نظام سیاسی، ۰/۳۱۵ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند. نظر به تایید این فرضیه، باید گفت که هر چه رضایت از نظام سیاسی بیشتر شود، هویت قومی کاهش می یابد. بنابراین، با کاهش رضایت از نظام سیاسی، هویت قومی بیشتری را شاهد خواهیم بود.

جدول ۱۴: آزمون رابطه بین رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	
۰/۰۰۰	-۱۳/۲۹۷	-۰/۵۶۳	-۱/۲۹۲	۱۱/۸۶۱	۰/۳۱۵	۰/۳۱۷	۰/۵۶۳	رضایت از نظام سیاسی

$$F=۱۷۶/۸۱۱$$

پیش بینی می شود. ضریب B نشان می دهد که با افزایش هر واحد متغیر مشارکت در امور سیاسی، هویت قومی $1/413$ کاهش می یابد. با توجه به $adj.R2$ مشارکت در امور سیاسی، $0/349$ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند. تایید این فرضیه نشان می دهد که چنان چه، بتوان مشارکت اعراب را در امور سیاسی افزایش داد، می توان هویت قومی آن ها را کاهش داد.

با توجه به سطح سنجش هر دو متغیر در فرضیه پانزدهم، از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول ۱۵، نشان می دهد که همبستگی متغیر مشارکت در امور سیاسی با هویت قومی (R) $0/592$ است. با توجه به سطح معناداری فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب $beta$ ، که در این جا منفی است، نشان می دهد که با افزایش مشارکت در امور سیاسی، هویت قومی کاهش می یابد. مقدار $R2$ بیانگر این است که $0/35$ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر مشارکت در امور سیاسی

جدول ۱۵: آزمون رابطه بین مشارکت در امور سیاسی و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	
0/000	-14/332	-0/592	-1/413	11/568	0/349	0/35	0/592	مشارکت در امور سیاسی

$$F=205/416$$

متغیر هویت قومی توسط متغیر احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی پیش بینی می شود. با افزایش هر واحد متغیر احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی، هویت قومی $1/755$ افزایش می یابد. همچنین، احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی، $0/393$ از واریانس هویت قومی کل جامعه آماری را تبیین می کند.

برای آزمون فرضیه شانزدهم از رگرسیون ساده استفاده شده است (جدول شماره ۱۶). همبستگی احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی با هویت قومی (R) $0/628$ است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب $beta$ ، که نشان دهنده جهت رابطه بین دو متغیر است، مثبت است. $0/395$ از واریانس

جدول ۱۶: آزمون رابطه بین حساسیت محرومیت نسبی در بعد سیاسی و هویت قومی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف استاندارد	adj.R2	R2	R	
۰/۰۰۰	۱۵/۷۶۱	۰/۶۲۸	۱/۷۵۵	۱۱/۱۶۶	۰/۳۹۳	۰/۳۹۵	۰/۶۲۸	احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی

$$F=248/425$$

نشان می دهد که ۰/۳۷۱ از واریانس متغیر هویت ملی توسط متغیر هویت قومی پیش بینی می شود. ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر هویت قومی، هویت ملی ۰/۴۶ کاهش می یابد. با توجه به adj.R2 هویت قومی، ۰/۳۶۹ از واریانس هویت ملی کل جامعه آماری را تبیین می کند.

برای سنجش فرضیه هفدهم از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده است. جدول ۱۷، بیانگر رابطه بین هویت قومی و هویت ملی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که همبستگی هویت قومی و هویت ملی (R) ۰/۶۰۹ است. با توجه به سطح معناداری، فرضیه مذکور تایید می شود. ضریب beta، منفی است. مقدار R2

جدول ۱۷: آزمون رابطه بین هویت قومی و هویت ملی

سطح معنا داری	t	ضریب beta	B	انحراف معیار	adj.R2	R2	R	
۰/۰۰۰	-۱۴/۹۷۶	-۰/۶۰۹	-۰/۴۶	۸/۵۹۸	۰/۳۶۹	۰/۳۷۱	۰/۶۰۹	هویت قومی

$$F=244/267$$

۰/۶۷ از واریانس هویت قومی را تبیین کردند. این مساله در جدول ۱۸ نشان داده شده است. همچنین از متغیرهای مستقل، تنها دو متغیر به نام مشارکت در امور سیاسی و هویت قومی، بصورت مستقیم بر هویت ملی اثر گذار بوده که ۰/۶۲ از واریانس هویت ملی را تبیین کرده است. این مساله در جدول ۱۹ نشان داده شده است

آزمون چند متغیره

در تحلیل چند رگرسیونی برای عوامل مؤثر بر هویت قومی، ۱۱ متغیر پایبندی به هنجارهای قومی، مشارکت در امور سیاسی، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، جنس، میزان اعتماد به قوم، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت تاهل، احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی، منطقه مسکونی، شغل و تحصیلات،

جدول ۱۸: عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش بینی هویت قومی

مرحل	متغیر	B	Beta	t	Sig	R ²
۱	پایبندی به هنجارهای قومی	۱/۲۶۷	۰/۳۱۰	۶/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۴۴۵
۲	مشارکت در امور سیاسی	-۰/۵۳۴	-۰/۲۲۶	-۵/۶۳۷	۰/۰۰۰	۰/۵۵۱
۳	احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی	۰/۱۸۸۶	۰/۲۰۶	۴/۴۹۹	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳
۴	جنس	۴/۲۴۱	۰/۱۴۹	۴/۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۶۰۴
۵	میزان اعتماد به قوم	۰/۷۲۶	۰/۱۷۵	۴/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹
۶	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	-۰/۳۵۴	-۰/۱۱۹	-۳/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۶۳۴
۷	وضعیت تاهل	۲/۴۱۶	۰/۰۸۶	۲/۶۰۷	۰/۰۱	۰/۶۴۹
۸	احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی	۰/۳۲۶	۰/۱۲	۲/۷۲۲	۰/۰۰۷	۰/۶۵۶
۹	منطقه مسکونی	-۲/۳۱۱	-۰/۰۷۸	-۲/۰۳۹	۰/۰۴۲	۰/۶۶۱
۱۰	شغل	-۰/۹۷۲	-۰/۱۲۶	-۳/۳۳۷	۰/۰۰۱	۰/۶۶۷
۱۱	تحصیلات	-۱/۰۰۳	-۰/۱۰۱	-۲/۷۳۳	۰/۰۰۷	۰/۶۷۴

جدول ۱۹: عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش بینی هویت ملی

مرحل	متغیر	B	beta	t	Sig	R ²
۱	مشارکت در امور سیاسی	۰/۹۵	۰/۰۴	۱۳/۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۵
۲	هویت قومی	-۰/۲۴	-۰/۳۳	-۱/۴	۰/۰۰۰	۰/۶۲

بحث و نتیجه

اشاره کرده است که عبارت اند از نخبگان، دولت ملی و نیروهای خارجی. با توجه به مطالعه مذکور در تشدید هویت قومی اعراب، نقش عوامل عینی بیشتر از عوامل انتزاعی چون نخبگان و نیروهای خارجی بوده است.

قبل از نتیجه گیری به مقایسه نتایج به دست آمده از این تحقیق با تحقیقات پیشین پرداخته می شود. احمدی (۱۳۸۳)، به سه عامل در سیاسی شدن قومیت ها در ایران

«قومیت یک عنوان یک سرمایه فرهنگی و برای دسترسی به منابع عمل می کند.

در این تحقیق از تأثیر ۱۶ متغیر که در مدل مفهومی تحقیق موثر بر هویت قومی بودند، رابطه ۱۳ متغیر با هویت قومی به لحاظ آماری تایید شد و تنها سه متغیر جنس، وضعیت تاهل و سابقه شهرنشینی با هویت قومی ارتباط معناداری نداشتند.

همچنین رابطه هویت قومی و هویت ملی، بصورت معکوس تایید شد. با این وجود باید توجه داشت که قوم عرب خوزستان بارها در طول تاریخ علاقه به ایران و ایرانی بودن خود و هویت ایرانی را اثبات کرده است (مقصودی، ۱۳۸۰)، (عزیزی بنی طرف، ۱۳۸۰)، قیم (۱۳۸۰)، (قیصری، ۱۳۸۱)، (الطائی، ۱۳۸۲)، (نبوی، ۱۳۸۳)، (نواح، ۱۳۸۳).

بنابراین، می بایست با تامل در این نتایج و تحقیقاتی از این دست، سعی در کاهش هویت قومی و هم راستا نمودن هویت قومی اعراب با هویت ملی داشته باشیم. در این تحقیق، محدوده سنی ۱۸ تا ۶۵ سال رابطه ای مستقیم با هویت قومی داشته است. دلیل این امر، علاوه بر این که می تواند نشان خوبی هم به همراه داشته باشد، به نظر ما تحصیلات در سنین رو به پایین در میان اعراب است. عدم تایید رابطه سه متغیر جنس، وضعیت تاهل و سابقه شهرنشینی؛ همگی حاکی از زندگی قوم عرب بطور سنتی - یا لاقلاً نیمه سنتی - است. وضعیت تاهل نیز متغیر دیگری بود که ارتباط آن با هویت قومی مورد اثبات قرار نگرفت.

منظور از عوامل عینی، عواملی چون نابرابری اقتصادی، سیاسی و سطح سواد و آگاهی نسبتاً پایین است؛ بنابراین، تحقیق حاضر هم راستا با نظریه احمدی نیست.

یافته‌های این پژوهش با یافته های عالمی نیسی (۱۳۸۳)، نیز مغایرت دارد. به نظر عالمی نیسی، مولفه های مدرنیته، هویت قومی اعراب را افزایش می دهند و یا در بهترین حالت، تأثیری بر آن ها ندارند؛ اما با توجه به یافته های این تحقیق باید گفت که آزادی های مدنی، که بطور مثال، کاهش احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی را به همراه دارد، در کاهش هویت قومی موثر خواهد بود.

همچنین، هم یافته ها و هم نظر نگارندگان این سطور با برخی مشاهدات محمد هیودی (۱۳۸۴) که عقیده داشت که مناطق عرب نشین، توسعه یافته تر از مناطق دیگر هستند، مغایرت دارد.

در این تحقیق، چون به عوامل خارجی پرداخته نشده بود، نمی توان در مورد بحث های ضیاء الدین احمد، نتیجه گیری مناسبی انجام داد. نتایج تحقیق حاضر با برخی از تحقیقات خارجی چون مرو (۲۰۰۳) و دریجه (۲۰۰۶) قابل مقایسه نیست. دلیل این امر این است که ماهیت تحقیق و روش به کارگرفته در این پژوهش با ماهیت تحقیق و روش تحقیق تحقیقات مذکور، تفاوت دارد.

بطور کلی، این تحقیق هم سو با تحقیقات خارجی نیست و فقط در یک مورد و آن هم با توجه به یافته هایمان می توانیم با پلوس (۲۰۰۵)، همراه شویم که

رابطه داشتند که ارتباط دو متغیر اول بصورت معکوس بوده است.

به عبارتی هر چه فرد رضایت بیشتری از نظام سیاسی کشور داشته باشد و به میزان بیشتری در امور سیاسی مشارکت داشته باشد، هویت قومی وی کاهش می یابد.

بطور کلی مهم ترین یافته توصیفی این تحقیق این است که مناسبات اجتماعی اعراب در شهرستان اهواز بصورت سنتی است. همچنین نظر به فرضیات و تایید آنها، مهم ترین نتیجه گیری این تحقیق این است که مولفه های مدرن، اکثراً در کاهش هویت قومی موثرند. بنابراین، درون تجدد قرار گرفتن کشور ایران، را مهم ترین عاملی می دانیم که می تواند هویت قومی اقوام را کاهش دهد.

منابع

- ۱- احمدی، حمید. قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- ۲- احمدلو، حبیب. رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز، صص ۱۴۵-۱۲۰، ۱۳۸۱.
- ۳- الطائی، علی. بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۲.
- ۴- چلبی، مسعود. جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- ۵- حاجیانی، ابراهیم. الگوی سیاست قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم شماره اول و دوم، بهار و تابستان، شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲، صص ۱۳۸-۱۳۰، ۱۱۹.

این مساله نشان از اهمیت هویت قومی عرب در نزد افراد قوم عرب دارد، بطوری که فرد بعد از ازدواج نیز تعلق خاطر خود را با قوم عرب حفظ می کند.

با این حال، همان گونه که انتظار می رفت، رابطه بین متغیرهای اقتصادی با هویت قومی نیز مورد تایید قرار گرفت. در این میان هر چه وضعیت اقتصادی خانواده بهتر باشد، هویت قومی می بایست کاهش یابد. اما هر چه احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی بیشتر باشد، هویت قومی بیشتر تشدید خواهد شد. منطقه مسکونی عرب نشین و مختلط رابطه معناداری با هویت قومی داشته است که در این میان کسانی که در مناطق نسبتاً عرب نشین سکونت داشتند، هویت قومی بیشتری داشتند.

در مورد عوامل فرهنگی، نیز تایید رابطه پابندی به هنجارهای قومی، با هویت قومی، نشان از همان مناسبات سنتی اعراب، که قبلاً به آن اشاره شد، دارد. در این تحقیق، رابطه تحصیلات با هویت قومی بصورت معکوس بوده است. بنابراین، در جامعه مذکور هر چه تحصیلات بیشتر بوده، هویت قومی کمتری را شاهد بوده ایم. همچنین استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رابطه معکوسی بر هویت قومی داشته است؛ درست جایی که به نظر بسیاری، استفاده از این وسایل، تقویت هویت قومی را به همراه دارد؛ در مورد جامعه مورد نظر ما، یعنی قوم عرب، استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب کاهش هویت قومی آن ها شده است. در عوامل سیاسی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی با هویت قومی

- ۶- دورانت، ویل، لذات فلسفه (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)، ترجمه عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ۷- دهشیری، محمد رضا. جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز، صص ۷۱-۱۰۰، ۱۳۷۹.
- ۸- رنجبر، مقصود. معرفی و نقد کتاب: نظریه‌های ناسیونالیسم، اثر اموت اوز کریملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۵۳، ۱۳۸۴.
- ۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان، سالنامه آماری، اهواز: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان، ۱۳۸۴.
- ۱۰- شیخاوندی، داور، تاخیر در تکون هویت ایرانی در جریان تجدد، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ویژه نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، شماره ۳، ۱۳۵-۱۳۸۰، ۱۱۳.
- ۱۱- ضیاء الدین احمد. نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب، ترجمه حیدر بوذر جمهر، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
- ۱۲- طباطبایی، سید جواد. پروژه فکری من، روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۷/۹، صص ۸ و ۷، ۱۳۸۲.
- ۱۳- عالمی نیسی، مسعود. مطالعه میزان برجستگی هویت های فرهنگی و جمعی و پیش بینی آینده آن، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۳.
- ۱۴- عزیزی بنی طرف، یوسف. تنوع قومی در ایران؛ چالش ها و فرصت ها (بخش دوم)، میزگرد، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، پاییز، صص ۳۷۳-۳۲۴، ۱۳۸۰.
- ۱۵- قاسمی، محمد علی. درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۱۳۴-۱۲۳، ۱۳۸۱.
- ۱۶- قیصری، نوراله. قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- ۱۷- قیم، عبدالنبی. نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷، بهار، صص ۲۲۵-۱۸۷، ۱۳۸۰.
- ۱۸- کوهن، آلوین استانفورد. تئوری های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱.
- ۱۹- گار، تد رابرت. اقلیت‌ها، ملی گراها و برخوردهای سیاسی، ترجمه حمید رضا کریمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، پاییز، صص ۲۳۲-۲۰۷، ۱۳۷۸.
- ۲۰- گل محمدی، احمد. جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- ۲۱- محمد هیودی، محمد رضا. نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۴.
- ۲۲- مقدس، علی اصغر. منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم، بهار، صص ۹۴-۶۵، ۱۳۷۴.

Faculty of Graduate Studies and Research, Dept of Political Science, Ottawa, Canada.

30- Creswell, John W. (2003). *Research Design, Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*, Second Edition, London: Sage Publications.

31- Driedger, Leo (2006). "Identité ethnique" , [online]. <<http://www.thecanadianencyclopedia.com/index.cfm?pgNm=TCE&Params=F1ARTF0002662>>.

32- Moreau, Karinen. (2003). "Influences des Rapports Sociaux de Domination Sur la Construction de l'identité Ethnique: l'exemple des Descendants d'Algériens de France" , [Online]. <<http://www.unb.fr/sc-humaines/ceriem/documents/cc4karin.htm>>.

33- Pluss, Carolin (2005). "Constructing Globalized Ethnicity, Migrants From India in Hong Kong", *International Sociology*, June, Vol 20(2). Pp 201-224.

۲۳- مقصودی، مجتبی. ناهمگونی قومی؛ رهیافت هایی چند درباره همسازی سیاسی- اجتماعی. فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، پاییز، صص ۶۷-۴۷، ۱۳۷۸.

۲۴- _____، فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶، زمستان، صص ۱۹۶-۱۷۱، ۱۳۷۹.

۲۵- _____، تحولات قومی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰.

۲۶- نبوی، سید عبدالامیر. خوزستان و چالش های قوم گرایانه، ایران، هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران. موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳۰-۴۸۷، ۱۳۸۳.

۲۷- نواح، عبدالرضا. قوم عرب، واگرایی یا همگرایی، اهواز. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان، ۱۳۸۳.

۲۸- یوسفی، علی. روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در ایران، تحلیلی ثانویه بر داده های یک پیمایش ملی. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان، صص ۴۲-۱۳، ۱۳۸۰.

29- Ahamdi, Hamid. (1995). *The Politics of Ethnic Nationalism in Iran*, Ph.D Theses, Carleton University,